

اعتراضات اصفهان، موجی از امواج ضد سرمایه‌داری

مسئولین و دست‌اندرکاران رژیم جنایت کار ایران اقرار می‌کنند که استان اصفهان به لحاظ ذخایر آب رو زمینی و زیر زمینی، در بین ۳۱ استان کشور، رتبه بیست و پنجم را داراست. یعنی یک منطقه کم آب است با جمعیت بالا نسبت به بسیاری از استان‌های دیگر ایران. ولی همین استان کم آب در داشتن کارخانجات سنگینی که مصرف آب بالائی دارند، در رتبه سوم در ایران قرار دارد. کارخانجاتی از قبیل فولاد مبارکه و ذوب آهن جزو این مؤسسات تولیدی هستند که دارای صدها کارخانه و کارگاه تولیدی دختر نیز می‌باشند. در عین حال فقط در شهر اصفهان ۲۵ کارخانه بزرگ تولیدی آبرو وجود دارد و در حومه و ۴۳۰ شهرک استان واحدهای صنعتی بزرگی تأسیس شده است که هر کدام برای تولید به آب زیاد نیازمندند.

کارخانجاتی مثل فولاد مبارکه، شرکت‌های سهامی خصوصی هستند که سرمایه‌داران اصلی آن‌ها تعداد انگشت شماری از دولت مردان و سرمایه‌داران بزرگانند که علاوه بر فروش سهام و چاپیدن مردم از این طریق، کل سود تولید را نیز به جیب می‌زنند.

این هنوز تمام ابعاد فاجعه نیست. آب پسماندهی این کارخانجات که کاملاً غیر فنی و غیر مسئولانه در بستر رودخانه‌ها، چاه‌های عمیق و یا در کناره‌های مناطق کشاورزی ریخته می‌شود، با آب لازم برای کشاورزی، آب آشامیدنی و آب مصرفی خانواده‌ها داخل شده و باعث معضلات غیر قابل جبرانی در حیات مردمان منطقه می‌گردد. انواع و اقسام بیماری‌های عفونی جان همه را تهدید می‌کند و باعث مرگ هزاران نفر گردیده است. پس مانده‌های دیگر به صورت دیوی باز در کنار دهکده‌ها، شهرک‌ها و یا شهرهای بزرگی مثل اصفهان انبار می‌شود. با گذشت زمان سمومی که از این پس مانده‌ها تولید می‌شود به صورت ذرات ریز با باد فضای شهرهای استان را می‌پوشاند و از این طریق سرطان ریه، سرطان پوست و سگته قلبی و مغزی را باعث می‌گردد.

در نتیجه، احداث این کارخانجات فقط بحران کم آبی ایجاد نمی‌کند بلکه بحران بسیار خطرناک محیط زیستی نیز به وجود می‌آورد که دیگر فقط مربوط به کشاورزی و کشاورزان نمی‌شود، بلکه همه مردمان استان‌های اصفهان و چارمحال و کل منطقه را که بیش از ۶/۵ میلیون نفر جمعیت دارد تهدید می‌کند.

مردم شهر کرد که مرکز استان چارمحال است حدود ده سال پیش به احداث کارخانجاتی در کنار شهرشان اعتراض کردند و به مسئولان در آلوده شدن آب و هوا با سموم این کارخانجات هشدار دادند. از آن تاریخ تا کنون کارخانجات بسیاری نیز در این دو استان احداث شده و زندگی و محیط زیست مردمان را با خطر جدی و تشنگی ناشی از کم آبی رو به رو ساخته است. احمدی نژاد در دوران ریاست جمهوری‌اش در سفری که به یزد می‌کند به سرمایه داران می‌گوید: «شما صنعت را احداث کنید، من آب آن را تأمین می‌کنم.»

از آن تاریخ دزدی آب آشامیدنی و فلاکت کشاورزان و مردمان دو استان، در خدمت کسب ابر سود این سرمایه‌داران زالو صفت ده چندان شده است.

این ابر سود به قیمت بی‌خانمانی، تشنگی، قحطی و شیوع انواع و اقسام بیماری‌ها برای بیش از ۶ میلیون از مردم دو استان اصفهان و چارمحال، تمام می‌شود.

ظرفیت انسان در تحمل فشار و شرایط نا مساعد و مرگ آور حدی دارد، بی‌مرز نیست. بالاخره در روز جمعه، ۲۸ آبان ۱۴۰۰ با شعار «زاینده رود من کو؟» کشاورزان استان اصفهان پس از کوشش بسیار جهت حل اداری مسائل‌شان و عدم موفقیت در بهبود شرایط‌شان، به بستر زاینده رود آمدند. در آن روز بجای آب مردم تشنه برای آب در این بستر به حرکت آمدند.

حرکت اعتراضی آن‌ها مسالمت آمیز بود. نیروهای نظامی رو در روی تظاهر کنندگان قرار گرفتند و با رفتار تحریک آمیزشان مردم را به خروش وا داشتند. از این لحظه درگیری‌های لفظی و سپس بدنی آغاز شد. مردمان زحمتکش اصفهان و چارمحال بختیاری نیز به میدان آمدند و از کشاورزان پشتیبانی کردند.

مردم از سال‌ها پیش راه چاره‌ی بحران‌ها و مصائب را آموخته‌اند. آن‌ها می‌دانند که در این سیستم دردشان درمان نمی‌شود. لذا با شعار علیه علی خامنه‌ای، کل رژیم جمهوری اسلامی را به چالش طلبیدند:

- این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت

- پیشرف، پیشرف، پیشرف

- نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران

- و وقتی خود فروخته‌ای از پشت میکرفون از مردم خواست برای علی خامنه‌ای دعا کنند، مردم خامنه‌ای را هو کردند و نفرت خود را به صورت رژیم و نیروهای مسلح اش پاشیدند.
نیروهای مسلح به مردم حمله کردند. ۱۲۰ نفر دستگیر شدند. ۳ کشته بر جا ماند و تعدادی زخمی نیز راهی بیمارستان‌ها شدند که بعداً امنیتی تلقی گردیده و در بیمارستان دستگیر و روانه زندان گردیدند.
نیروهای انتظامی در خدمت سود تعدادی انگشت شماری ز الو صفت سرمایه دار به روی ده‌ها هزار انسان معترض و محق، شلیک کردند.

آیا راهی جهت حل این معضل وجود ندارد؟

آری. وجود دارد. اما محدود در همین نظام سرمایه‌داری.

ایران از جنوب به اقیانوس مربوط است. اگر کارخانجات اصفهان و چارمحال در یکی از سواحل جنوب ایران احداث شود، با تصفیه آب شور و کسب آب شیرین، تمام نیاز کارخانجات به آب شیرین و شور تأمین می‌شود. با وجود این که این اقدام نیز به محیط زیست صدمات فراوان وارد می‌آورد ولی صدمه‌اش بسیار کمتر از صدمه‌ایست که اکنون بر محیط زیست و انسان‌های دو استان نام برده وارد می‌گردد.

چرا دولت مردان این طریق را انتخاب نکردند؟

زیرا مخارج تصفیه آب از سود صاحبان سرمایه می‌کاهد و این برای سرمایه دارن قابل تحمل نیست. برای آن‌ها بهتر است که چند میلیون انسان زحمتکش کشته و مریض و بیخانمان گردند تا این که به ابر سودشان آن‌ها تنگتری وارد شود. بحران از این جا شروع می‌شود، از سیاست «هدف سود است» آغاز می‌گردد و همه چیز و همه جا را به فساد و تباهی می‌کشاند.

در جامعه سرمایه‌داری همیشه برای اقلیتی ناچیز، هر کاری با هدف سود آغاز می‌گردد و عده‌ای را خانه خراب می‌کند. این از ذات نظام سرمایه‌داریست. لذا مسائل اصفهان و چارمحال مسئله کل نظام سرمایه‌داریست، دو سال پیش در خیابان‌ها در آبان ماه ۹۸، سپس در خوزستان، همرمان در هفت تپه، بعد از آن در شرکت نفت و مؤسسات پتروشیمی و گاز، و امروز در اصفهان و فردا در جای دیگر...

سرمایه داری نمی‌تواند این معضلات را حل کند زیرا خود عامل این معضلات است. مردم نیز نمی‌توانند این معضلات و مصائب را تحمل کنند و این نظام آن‌ها را دچار خفقان می‌کند. مبارزات ۵ سال اخیر مردم گام به گام شجاعت را در مبارزین لبریز کرده است. مردم دیگر از دادن هزینه نمی‌ترسند. لذا آخرین سلاح رژیم یعنی سرکوب بی اثر گردیده است.

اگر به صحنه درگیری‌ها توجه کنیم سه ویژگی را نسبت به گذشته می‌بینیم

- نیروهای نظامی تهاجم می‌کنند، مردم عقب می‌روند و سپس حمله می‌کنند و نیروهای نظامی را عقب می‌رانند.
- رژیم سرمایه‌داری ایران از تجربه آبان که به کشتار وسیع دست زد آموخته است که این عمل نه تنها در مردم هراس ایجاد نمی‌کند و باعث خواباندن جنبش‌ها نمی‌گردد بلکه در دل آنها شجاعت می‌پاشد و با نفرت بیشتر آن‌ها را علیه خود بر می‌انگیزد. لذا مجبور گردید در این جنبش گامی بلند عقب نشینی کند و مأمورین‌اش با هراس بجای گلوله، با تفنگ ساچمه‌ای به مردم شلیک می‌کردند. در این روند بسیاری بینائی خود را از دست دادند.

- این جنبش گستردگی و تهاجم بی نظیری دارد و در منطقه‌ای شکل گرفته است که در آغاز سلطه این رژیم جزو پایگاه‌های محکم آن بود و امروزه یکی از مناطق پر خیزش انقلابیست.

جنبش‌های دائم و وقفه ناپذیر مردمان کار و زحمت و مترقی و وجود گرایش‌های کمونیستی در بین زحمتکشان گام به گام این آگاهی را در توده وسیع زحمتکش جامعه ایران به وجود می‌آورد که یک راه چاره پیشتر وجود ندارد: گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم. این تنها راه نجات بشریت و لاجرم مردم ایران است.
در این راه متحد شویم و بکوشیم.